## فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc428455823)

[تاریخ تولد و شهادت امام رضا (ع) 2](#_Toc428455824)

[القاب امام رضا (ع) 2](#_Toc428455825)

[خصوصیت دوران امام رضا (ع) 2](#_Toc428455826)

[علی ابن أبو حمزه بطائنی 3](#_Toc428455827)

[هارون‌الرشید 3](#_Toc428455828)

[امامت امام رضا (ع) در دوره هارون‌الرشید 4](#_Toc428455829)

[دوران امامت امام رضا (ع) بعد از مرگ هارون 4](#_Toc428455830)

[خصوصیت زمان امام رضا (ع) 5](#_Toc428455831)

[اهداف حضرت امام رضا (ع) 6](#_Toc428455832)

[خطبه دوم 7](#_Toc428455833)

[دعوت امام علی (ع) به تقوا 7](#_Toc428455834)

[مناسبت روز کارگر 7](#_Toc428455835)

[اهمیت دادن به علم و آموزش 8](#_Toc428455836)

[بوسنی و هرزگوین 9](#_Toc428455837)

[دعا 9](#_Toc428455838)

## خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «الرحیم** **یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## تاریخ تولد و شهادت امام رضا (ع)

در تولد حضرت امام رضا (ع) دو قول وجود دارد، یک قول آن است که یازده ذی‌القعده بوده است و یک قول هم این است که یازده ربیع‌الاول بوده است، قول مشهور و مقبول بین علماء همان یازدهم ذی‌القعده است، در سال تولد آن حضرت هم دو قول است، یکی اینکه در سنه 148 هجری متولد شدند و قول دیگر این است که در سنه 153 متولد شدند البته آنچه بیشتر مشهور است این است که یازدهم ذی‌القعده سنه 148 هجری آن حضرت متولد شدند.

در شهادت ایشان هم دو قول است، یک قول این است که در سنه 202 و در آخر ماه صفر به شهادت رسیدند و یکی هم این است که در سنه 203 به شهادت رسیدند و طبیعتاً عمر آن حضرت هم بین 50 تا 55 سال است و اقوالی که وجود دارد باهم فرق می‌کند.

## القاب امام رضا (ع)

 کنیه حضرت ابوالحسن بوده است و القاب حضرت صابر، رضی، وفی و لقب مشهور آن حضرت رضا است، دوران امامت ایشان هم 25 سال و یا یک مقدار کمتر بود.

## خصوصیت دوران امام رضا (ع)

خصوصیتی که در دوره امام رضا (ع) از نظر مذهبی وجود داشت این بود که یک گروهی از خود شیعه و کسانی که معتقد به امام موسی ابن جعفر (ع) بودند با شهادت ایشان دیگر اعتقاد به امامت آن حضرت پیدا نکردند، به این‌ها واقفیه می‌گویند، یعنی کسانی که هفت امامی هستند و در مورد امام موسی ابن جعفر گفتند که آن حضرت به شهادت نرسیده است و زنده است و امام بعد را دیگر نپذیرفتند، به خاطر همین قضیه واقفیه و احتمالی که خود امام می‌دادند در مورد امامت حضرت رضا (ع) تأکید زیادی در روایات وجود دارد و علیرغم آن اختناق بسیار شدیدی که در زمان هارون‌الرشید بود و امام موسی ابن جعفر (ع) هم در آن زمان به شهادت رسیدند، حضرت در مواقع مختلف روی امامت و ولایت امام رضا (ع) تأکید خاصی داشتند.

## علی بن أبو حمزه بطائنی

شخصی به نام علی ابن أبو حمزه بطائنی از رجال حدیث هم است و از اصحاب امام موسی ابن جعفر بود و سالیان زیادی در کنار ایشان بود و روایات زیادی هم در فقه از او نقل‌شده است، این شخص از وجوهات شرعی اموال زیادی در دستش بود که باید به امام موسی ابن جعفر می‌داد ولی ایشان به شهادت رسیدند، یکی از علل واقفی شدن حمزه این بود که با اینکه نزدیک به امام موسی ابن جعفر بود و می‌دانست که این امام فرزند برومندش امام رضا (ع) را به عنوان امام بعد از خودش تعیین کرده است اما درعین‌حال به خاطر آن پولی که در دستش بود گفت که حضرت امام موسی ابن جعفر زنده‌اند و حاضر نشد آن وجوهات را در اختیار امام رضا (ع) قرار بدهد.

فرزند مرحوم آیت‌الله حائری یکی از اساتید بزرگ فقه و اصول حوزه علمیه قم یک روزی درس می‌گفتند و روایتی آمد که راوی آن روایت علی بن أبو حمزه بطائنی بود، ایشان وقتی‌که اسم این راوی را بردند یک مقدار اخلاق گفتند و خودشان هم به‌شدت متأثّر شدند که یک کسی با آن سابقه از رجال مهم حدیث به خاطر مال دنیا و هواهای نفسانی یک امر بیّنی را منکر شد.

نکته اخلاقی بزرگی در سرنوشت این فرد وجود دارد که فقط سابقه و داشتن گذشته خوب نمی‌تواند موجب مصونیت شخص باشد، تا لحظه احتضار، لحظه آزمایش و امتحان انسان است و هر دمی ممکن است نسیم هوای نفس بورزد و انسان را از مسیر الهی منحرف بکند.

بنابراین آن شیعیانی که بعد امامت امام رضا (ع) را پذیرفتند آدم‌های معتقد و پابرجایی بودند که آن اشاره و دستور امام موسی ابن جعفر (ع) را در مورد امامت بعدی ملتزم شدند و به آن عمل کردند.

## هارون‌الرشید

هارون‌الرشید یک قدرت بسیار قوی شده بود و در بین خلفا یک مقطع اقتدار و عظمت حکومت و خلافت بنی‌عباس بود، همان کسی که به ابرهایی که از بالای سرش رد می‌شوند خطاب می‌کند که شما حرکت بکنید، هرکجا که ببارید سرزمین خلافت من است، یعنی یک سرزمین پهناور اسلامی در دوره هارون‌الرشید به صورت خیلی مقتدرانه در دست قدرت او بود و امام موسی بن جعفر با یک چنین خلیفه مقتدر و مسلط بر همه امور اجتماعی دست‌ و پنجه نرم کرد و اسلام و تشیع را با آن مشکلات وسیع حفظ کرد.

پهناوری سرزمین خلافت، حاکمیت حکام در همه شهرها و بلاد و استبداد فوق‌العاده‌ او از قدرت ظاهری هارون به شمار می‌آمد که در روایات هم آمده است که خون از شمشیر هارون‌الرشید دائماً می‌چکید.

## امامت امام رضا (ع) در دوره هارون‌الرشید

یک مرحله زندگی امام رضا (ع) در زمان خود امام موسی بن جعفر بود که دوران امامت و تصدی مسئولیتی برای ایشان نبود، بعد از شهادت امام موسی بن جعفر که هنوز هارون زنده بود امام رضا (ع) به امامت رسیدند و حدود ده سال در زمان هارون‌الرشید دوره امامت ایشان بود.

ائمه ما هیچ‌گاه دست از خلافت و امامت برنداشتند، زندان رفتند، شکنجه و زجر کشیدند، کتک خوردند، همه این سختی‌ها را تحمل کردند ولی از ادعای اینکه ما خلیفه پیامبر هستیم و حاکمیت دنیای اسلام حق ما است هیچ‌گاه دست برنداشتند.

 بعدازاینکه دوره امامت امام رضا شروع می‌شود همان استبداد و قدرت مطلقه هارون‌الرشید باقی است. درعین‌حال امام رضا امامت خودشان را بیان می‌کردند و همه هم می‌دانستند، بارها هم مورد اعتراض اصحاب قرار می‌گرفتند که «این قدر صریح نگویید، مگر ندیدید که پدر بزرگوار شما در زندان هارون‌الرشید جان سپرد؟» حضرت می‌فرمودند: «شهادت من در دست او نیست.» دستگاه خلافت هم بارها حضرت را احضار می‌کرد ولی حضرت به اطرافیان می‌فرمود که هیچ هراسی نداشته باشید، از این خلیفه به من آسیبی نخواهد رسید.

در دوره بعد از زمان امام باقر و امام صادق (ع) یعنی دوره خلافت بنی‌عباس یکی از کارهایی که خلفا با ائمه می‌کردند این بود که یکجایی تحت نظر دستگاه دربار باشند و مرتب هم آن‌ها را احضار می‌کردند، این یک روش دائمی بود.

## دوران امامت امام رضا (ع) بعد از مرگ هارون

بعد از هارون دستگاه خلافت بنی‌عباس دچار تزلزل شد و خلافت بنی‌عباس مدعی‌های متعددی داشت، مأمون و امین و بعضی جناح دیگر از داخل دربار بنی‌عباس جوشیدند و به جان هم افتادند و سر وراثت خلافت ناحق خودشان دعوا کردند و در این دعواها طبیعی است که یک فرصت‌هایی برای ائمه پدید می‌آمد.

در زمان امام رضا (ع) شیعه هم توسعه پیداکرده بود، یعنی در شهرهای ایران، در قم و در شهرهای دیگر افراد زیادی در مذهب تشیع واردشده بودند، این دوران چند سالی به دعواهای مأمون و امین گذشت و بالأخره مأمون با برنامه‌ای که داشت پیروز شد و بار دیگر خلافت در دست او متمرکز شد و در خراسان مستقر شد، این دوره مأمون هم یک دوره جدیدی در زندگی امام رضا بود.

در طول تاریخ ائمه از زمان خود امیرالمؤمنین و بعد از عاشورا یک حادثه جدیدی در خلافت و در برخورد با ائمه پدید آمد، زمان هارون‌الرشید و حتی مدتی بعدازآن همه می‌دانستند که یک دستگاه دیگری غیر از دستگاه رسمی خلافت از اهل‌بیت خود پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در مرکز خلافت حضور دارد و پیروان و شیعیانی در سراسر عالم این‌ها را قبول دارند، این دوگانگی کاملاً واضح بود، حالا یک عده‌ای واقعاً خوب بودند، تشیع داشتند و طرف ائمه بودند، یک عده‌ای هم طرف دیگر بودند.

## خصوصیت زمان امام رضا (ع)

خصوصیات زمان امام رضا (ع) در اواخر قرن دوم هجری که زمان امامت ایشان باشد این است که خلیفه وقت یک برخورد تازه‌ای با امام می‌کند، برخلاف آنچه منصور بود، برخلاف آنچه هارون‌الرشید و خلفای بنی‌امیه بودند که دائم با فشار و تحمیل و برخورد با این شخصیت‌های تابناک اهل‌بیت برخورد می‌کردند.

کسانی می‌گفتند که مأمون در ابتدا خودش غرض سوئی نداشت و بعد حسادت او را به آنجایی کشاند که تا مرض شهادت امام رضا (ع) جلو برود، ولی این یک دید خوش‌بینانه به قضیه است و بعید هم است که این‌طور باشد، مأمون در دستگاه هارون‌الرشید بزرگ‌شده است و سیاست و ریاست او هم نشان می‌دهد که یک آدم فوق‌العاده پیچیده‌ای بود، بنابراین این احتمال خیلی قوی نیست.

علائم و نشانه‌ها حاکی از آن است که او یک آدم سیاستمدار ورزیده و کارکشته‌ای بود که برخورد هارون را با امام موسی ابن جعفر دیده بود و همه قضایا را ملاحظه کرده بود، مأمون آدم مطلعی بود، علم دوست و فرهنگ دوست بود و اهل اطلاع هم بود و گذشته تاریخ را می‌دانست و با دو چشم خودش می‌دید که تمام برخوردهای تندی که در طول تاریخ با ائمه کردند مشکلی را حل نکرد و می‌دید که علیرغم همه فشارها، تحمیل‌ها، شکنجه‌ها تشیع گسترده‌تر می‌شود و روزبه‌روز هم بر شوکت آن افزوده می‌شود.

بنابراین او یک طرح تازه‌ای را ریخت و آن طرح این بود که حضرت را از مدینه به مقر خلافت خودش در خراسان دعوت کرد تا اینکه حضرت را ولی عهد خودش قرار بدهد و جذب دربار خلافت بکند، آن دعوای تاریخی شیعه و ائمه شیعه با خلفا تمام بشود، امام رضا هم در دستگاه مأمون لکه‌دار بشود و خلافت هم خودش را با این ترفند حفظ بکند.

وقتی‌که حضرت را احضار کرد حدود یکی دو ماه جر و بحث بود، ابتدا به حضرت گفت که خلافت را قبول بکن، حضرت قبول نکردند، بعد گفت ولایت‌عهدی را قبول بکن ولی حضرت قبول نمی‌کرد، بعد هم به جایی رسید که مأمون گفت اگر قبول نکنی تو را می‌کشم، سپس حضرت ولایت‌عهدی را پذیرفتند منتها ایشان از همان ابتدا می‌دانستند که یک حیله و دسیسه‌ای در کار وجود دارد، طوری برنامه‌ریزی کرده بودند که مردم خیال نکنند که دعوای اهل‌بیت با خلفا حل‌شده است.

## اهداف حضرت امام رضا (ع)

حضرت امام رضا (ع) از آن وقتی‌که از مدینه حرکت کردند این قضیه را تعقیب می‌کردند که مردم خیال نکنند که مشکلات دارد حل می‌شود و حالا مأمون حقی پیداکرده است، وقتی‌که می‌خواهد از مدینه بیرون برود بارها با مردم صحبت می‌کند، با گریه و زاری به وداع با قبر جدّ بزرگوارش می‌رود و حتی به بعضی از اصحاب و نزدیکانش گفته بود که این سفر آخر من است و من دیگر زنده نمی‌مانم و به شهادت می‌رسم.

خاطر این بود که در مکه و مدینه و بلاد اسلامی معلوم باشد که جنگ حق و باطل و اهل‌بیت با خلفا تمام نشده است، در بین راه هم همین طور بود، مسافرت امام رضا (ع) یک مسافرت پرحادثه و تاریخی بود، سفر ایشان پر از درس و حکمت بود و خط ولایت و امامت را سعی کردند که حفظ بکنند.

وقتی‌که وارد دستگاه مأمون می‌شود آن‌ها می‌گویند که باید ولایت‌عهدی را بپذیری و کارها را در دست بگیری حضرت فرمودند که من ولایت‌عهدی را قبول کردم بدون اینکه هیچ دخالتی در کارهای حکومتی داشته باشم تا مردم بدانند که این فقط یک اجبار است، ولی منشأ اصلی اینکه حضرت ولایت‌عهدی را قبول کرد این بود که صدوچند سال بود که دعوای خلفای ناحق با اهل‌بیت ادامه داشت و آن‌ها اصلاً معتقد به هیچ حقی برای اهل‌بیت نبودند، امام رضا ضمن اینکه نگذاشت خط حق و باطل به هم آمیخته بشود اغراقی از دشمن گرفت و این نکته مهم ولایت‌عهدی حضرت بود.

حضرت دو هدف را خیلی ظریف پیگیری کرد، یکی اینکه نگذاشت خط ولایت و امامت با خطوط انحرافی که پس از پیامبر پدید آمد به هم آمیخته بشود و ضمن این به دنیا نشان داد که اگر پدران و اجداد ما خط امامت را تداوم بخشیدند و در مقابل غاصبان ایستادند این باطل نبود، زیرا می‌بینید که خلیفه مقتدر بنی‌عباس مأمون این‌طور تعظیم می‌کند و شخصیت علمی، فرهنگی و حق سیاسی و امامت و خلافت را برای من قبول دارد، پس خوب نگاه بکنید که حرف ما بی‌جا نبود و دشمن بعدازآن همه ستم امروز ولو بر حسب ظاهر به عظمت و شکوه و علم و فرهنگ ما اغرار کرده است.

امامان ما این‌طور باسیاست و درایت فوق‌العاده این راه را برای ما حفظ کردند و عاقبت جانشان را بر سر این راه گذاشتند، چه وقت معلوم شد که همه تبلیغات مأمون دروغ بود؟ وقتی‌که امام رضا (ع) از آن اتاق بیرون آمدند، عبا را بر سر کشیدند و این نشانه این بود که سلاله پیامبر با زهر مسموم شده است.

**لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلا بِالله اَلعَلِیِّ العَظیمِ**

**«بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْر»[[3]](#footnote-3)**

## خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین . اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ[[4]](#footnote-4)** **فَاتَّقُوا اَللَّهَ اَلَّذِی أَنْتُمْ بِعَیْنِهِ وَ نَوَاصِیکُمْ بِیَدِهِ وَ تَقَلُّبُکُمْ فِی قَبْضَتِهِ إِنْ أَسْرَرْتُمْ عَلِمَهُ وَ إِنْ أَعْلَنْتُمْ کَتَبَهُ قَدْ وَکَّلَ بِذَلِکَ حَفَظَةً کِرَاماً لاَ یُسْقِطُونَ حَقّاً وَ لاَ یُثْبِتُونَ بَاطِلاً»[[5]](#footnote-5) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## دعوت امام علی (ع) به تقوا

مولا امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه چنین می‌فرماید: بندگان خدا از خدا بترسید، خدایی که شما در محضر او هستید، خداوندی که شما در قبض قدرت او قرار دارید، اگر نهان‌کاری بکنید از نهان شما آگاه است و اگر علناً آن را انجام دهید آن را ثبت خواهد کرد، بر شما ملائکه‌ای را موکل کرده است که بزرگوار هستند و حافظان اعمال شما هستند، حقی را فرونمی‌گذارند و باطلی را انجام نمی‌دهند، **«وَ اِعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ یتَّقِ اَللَّهَ یجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً مِنَ اَلْفِتَنِ وَ نُوراً مِنَ اَلظُّلَمِ»**[[6]](#footnote-6)، بدانید که کسی که تقوای خدا را برگزیند خداوند برای او راه فراری از فتنه‌ها و نوری در تاریکی‌ها قرار می‌دهد.

## مناسبت روز کارگر

دنیای صنعتی امروز باقدرت و توان و زحمت و تلاش کارگران اداره می‌شود و نظام اسلامی ما هم در بخش صنعت باقدرت و پشتکار کارگران و آن‌هایی که در کارخانه‌ها کار اصلی گردانندگی چرخ صنعت کشور بر دوش آن‌ها است اداره می‌شود، تنبلی و کار نکردن و وقت‌گذرانی و بی‌توجهی به مسئولیت‌های کاری برخلاف مقررات اسلام است و کشاورزان، کارگران و همه کسانی که نقشی در اداره جامعه بر عهده‌دارند اگر نیت خود را در آن کار خالص بکنند ضمن امرار معیشت ثواب هم می‌برند.

امید است که با تلاش کارگران کارخانه‌های پرتلاشی داشته باشیم و هم آن‌هایی که متصدی کارخانه‌ها هستند بدانند که اصل کار خوب و ارزشمند را کارگر انجام می‌دهد و حقوق آن‌ها را باید به‌طور کامل ادا بکنند.

## اهمیت دادن به علم و آموزش

اسلام بر مبنای آگاهی و تعلیم و تربیت پایه‌ریزی شده است و هیچ کاری بدون علم سرو سامان پیدا نمی‌کند، دنیا و آخرت ما با علم می‌تواند تأمین بشود، دنیای امروز که بر علم و تخصص و آگاهی بناشده است و صنعت امروز، کشاورزی امروز، شهرسازی امروز، پیشرفت‌های فناوری امروز، هر چه بگویید به علم برمی‌گردد، بنابراین تصمیم به اینکه باید اهل علم بود و کارکرد یک عمل بیّن و واضحی است، آخرت ما هم بدون علم پا نمی‌گیرد، اطلاعات و آگاهی‌های انسان برای آخرتش هم خوب است، در نمازخواندن، در مسائل شرعی، در همه جوانب علم و سواد و آگاهی لازم است و فرقی هم نمی‌کند، چه علوم دینی و چه علوم و تخصص‌های دیگری که در جامعه به آن نیاز است.

در این میان معلمانی که در دوره دبستان، راهنمایی، دبیرستان، هنرستان یک قشر بزرگ و متکلف یک کار بزرگی هستند که اگر درست‌کار بکنند واقعاً سعادت جامعه تأمین می‌شود، اگر یک نظام آموزشی خوب در کشور باشد که اهداف آموزشی خوبی را برای خودشان تعیین کرده باشند، مسئولین برنامه‌ریزی خوبی برای آموزش ‌و پرورش افراد معین کرده باشند و جهت جامعه هم به سوی علم و فراگیری و آموختن باشد، سعادت آینده جامعه تأمین می‌شود.

اگر مجموعه نهادها، ادارات و ارگان‌هایی که متکلف کار آموزش جامعه هستند واقعاً درست‌کار بکنند مطمئناً آینده جامعه تأمین است و باید گفت که جهت‌گیری کلی نظام آموزشی و پرورشی کشور ما خوب است ولی برای رشد و ترقی کشور باید کار بیشتری کرد. در دوره فعلی کشور علاوه بر این مسائل عناوین ثانویه هم وجود دارد، یعنی در دنیای امروز اگر آموزش و دانشگاه‌های ما بتوانند خوب کار بکنند و متخصص‌های متعهدی را پرورش بدهند و از نظر علمی و فرهنگی کشور رشد بیشتری داشته باشد نظام اسلامی در دنیا سربلند می‌شود.

طبق آماری که در شهرستان میبد گرفته‌شده 110 آموزشگاه وجود دارد، حدود 18 هزار دانش‌آموز وجود دارد، معلمان و کارکنان آموزش هم 1400 هستند، اگر این تعداد معلم و مربی روی 18 هزار آینده‌ساز کشور خوب کار بکنند می‌دانید چه آینده خوبی خواهد داشت؟ اگر مسئولین آموزش، مربیان و معلمان کار خود را یک کار خدایی بدانند و تلاش آن‌ها ساختن یک کشور با تخصص و با تعهد باشد این یک کار بسیار عظیمی است و ثواب آن از هر چیزی بالاتر است.

## بوسنی و هرزگوین

بوسنی و هرزگوین را نباید فراموش کرد، جوان‌های اروپایی در بوسنی و هرزگوین مثل حزب‌اللهی‌های زمان جنگ ما دارند کار می‌کنند، پدر و مادر شهید و برادر آزاد و جانباز و خانواده‌هایی که در طول انقلاب و جنگ زحمت کشیدید این وظیفه و کار شما است، وضع آنجا واقعاً آدم را دلگرم می‌کند، بوسنی و هرزگوین یک کشوری که حدود شصت سال کمونیستی بود و در مهد اروپا است، هیچ امکانات تبلیغی وجود نداشت، مبلغی نبود، الآن در محاصره دشمن‌های فراوانی هستند، یک عده جوان‌های اروپایی باسابقه کمونیستی در محاصره دشمنان و بدون امکانات آنجا مقاومت می‌کنند، این‌ها تحت امامت و مقام معظم رهبری، با شعار اسلام، باخدا و با معنویت صدور اسلام است و تنها کار این کشور است، و مبادا که دنیا با انقلاب ما هدایت بشود و راه رستگاری را پیدا بکند و ما خودمان اینجا آن را فراموش بکنیم.

## دعا

خدایا دل و جان و روح ما را با انوار معرفت خودت منور بفرما، ما را در صراط مستقیم الهی ثابت‌قدم بدار، شهدا، امام بزرگوار ما و اموات و گذشتگان ما را با اولیای الهی محشور بفرما، خدایا همه کسانی که برای احیاء اسلام در این قرن و زمان تلاش می‌کنند موفق و مؤیّد بدار، مقام معظم رهبری و علماء و همه خدمت‌گزاران به اسلام را در پناه خودت محافظت بفرما، سلام‌های خالصانه ما را به محضر حضرت ثامن‌الحجج امام رضا و حضرت بقیة‌الله ابلاغ بفرما، بر فرج حضرت بقیة‌الله تعجیل بفرما.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الراحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 102..**  [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره مبارکه العصر.. [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 102.. [↑](#footnote-ref-4)
5. . نهج‌البلاغه، خطبه 183. [↑](#footnote-ref-5)
6. . نهج‌البلاغه، خطبه 184**.** [↑](#footnote-ref-6)